



جغرافیا و روابط انسانی، زمستان ۱۳۹۹، دوره ۳، شماره ۳

اهمیت نقش و حقوق زنان در تجدید حیات فضاهای شهری (مطالعه موردی: خیابان

جمهوری اسلامی مهاباد)

نرگس محمودی

کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشگاه علامه دهخدا قزوین، گروه شهرسازی، قزوین، ایران.

na.mahmoodi70@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۰۳

چکیده

در این پژوهش تلاش می شود ابعاد نقش حقوق زنان در فضای شهری مورد واکاوی قرار گیرد. با توجه به ماهیت موضوع، پرداختن به مسئله حضور و مشارکت از منظر حقوق زنان و نه صرفاً ابعاد کیفیت فضای شهری از وجوه نوآوری این تحقیق به حساب می آید. برای این منظور از طریق مصاحبه و پرسشنامه با روش نمونه گیری تصادفی بر روی ۲۰۰ نفر از زنان مراجعه کننده به خیابان جمهوری اسلامی به عمل آمد و اقدام به جمع آوری داده های مورد نیاز شد. نوع تحقیق کاربردی بوده و تحلیل ها از طریق کمی سازی داده های کیفی و با استفاده از نرم افزار SPSS صورت می گیرد. بر این اساس دودسته سنجه های معطوف به الزامات حضور و مشارکت زنان و تنوع حضور و مشارکت زنان در فضای شهری مورد پرسش قرار گرفت. بر اساس نتایج مشخص شد که اولاً، امتیاز سنجه های متناسب به حقوق زنان (که بیانگر الزامات حضور و مشارکت زنان در فضای شهری است) بیشتر از امتیاز سنجه های متناسب به حق تفاوت (که بیانگر ضرورت وجود طیف متنوعی از زنان در فضا است) می باشد. ثانیاً، میان متغیرهای سن، وضعیت تأهل، سطح تحصیلات و مدت زمان اقامت در فضا با حق به شهر ارتباط معناداری وجود دارد. در بیشتر سؤالات، زنان پاسخگو به این موضوع اذعان کرده اند که برای حضور در فضاهای عمومی محدودیت های جدی مواجه هستند. با استفاده از تحلیل مسیر برای عوامل مرتبط با حقوق و مشارکت زنان مشخص شد و دو سنجه تنوع حضور افراد باهدف گذران اوقات فراغت، فضاهای ویژه زنان کمترین تأثیر را دارند. از سوئی دیگر، چهار سنجه تنوع فعالیت های جاری در فضا، امنیت، روشنایی مناسب فضا در شب و عدم وجود فضاهای پنهان، تنوع حضور افراد (باهدف خرید) بیشترین تأثیر را در حقوق و احساس مشارکت زنان دارا است.

کلید واژه: حقوق زنان، مشارکت زنان، فضای شهری، خیابان جمهوری اسلامی.

مقدمه

فضاهای عمومی، مکانی برای رفع نیازهای روزمره ی زندگی عمومی در شهرها هستند. این فضاها در طول زمان و بر اساس شرایط اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تغییر می کنند (Pasaogullari & Doratli, 2004). فضاهای عمومی شهری، فضاهایی برای آن جام فعالیت های اجباری، اختیاری و مهمتر از همه، فعالیت های اجتماعی هستند (Gehl, 1978). استفاده از فضاهای عمومی از سوی گروه های مختلف مردم و همچنین طیف گستردهای از فعالیت ها به تقویت هویت جمعی جامعه کمک می کند (Franck & Paxson, 1989). بنابراین، فضای شهری عنصر اساسی ساخت شهر است که با کانون راهبردهای اجتماعی مربوط می شود و شکل دهنده ی رفتار و زندگی اجتماعی افراد است (kurniawati, 2012). امروزه نقش و اهمیت فضاهای عمومی شهری با تأکید بر طراحی، فارغ از محدودیت های جنسیتی، سنی و توانایی استفاده کنندگان، به عنوان مکانی مطلوب برای تمام گروه های اجتماعی به خوبی احساس می شود (Garcia-Roman, 2004). همچنین رویکرد اولیه در توسعه ی فضاهای باز عمومی، ایجاد محیطی است که به وسیله ی گروه های جنسی و سنی گوناگون مورد استفاده قرار گیرد؛ چرا که این قابلیت، معیار و شاخصی برای موفقیت چنین فضاهایی است. به عبارتی، همه حق دارند از بودن در فضا لذت ببرند. بنابراین از آن جا که زنان به عنوان یک شهروند حق حضور، مشارکت و لذت از زندگی مدنی در شهر را دارند، لازم است تمامی موانع حضور و مشارکت آنها در زندگی شهری محدود شود. این موضوع نه تنها شامل امنیت، حمل و نقل، دسترسی و عوامل فرهنگی و اجتماعی است، بلکه باید در فضاهای شهری نیز اهمیت پیدا کند (Rezazadeh & Mohammadi, 2009). زنان در سراسر جهان نقش بسیار مهم و تعیین کننده ای دارند. آنان برای تسریع روند تغییر و تحقق هدف های توسعه پایدار می توانند مسئولیت بسیار جدی و مهمی را بر عهده گیرند. زنان می توانند با تزریق فکر و ایده به کالبد اقتصادی جامعه، مسیر رشد و توسعه را هموارتر سازند. آنها می توانند در تمام قسمت های اقتصادی بازوی اصلی و قدرتمندی برای پیشبرد اهداف باشند. در مسیر توسعه، حقوق نقشی بس اساسی و کارساز و تأثیرگذار دارد. دلیل امر روشن است، زیرا توسعه در پرتو عدالت تحقق می یابد و نقش حقوق در شکل گیری عدالت و اجرای آن از واضحات است. نظام حقوقی هر کشور در بردارنده قواعدی است که می خواهد به نیازهای آن جوامع در عرصه های استقرار نظم و عدالت پاسخ در خور دهد و در این سیر با وجدان عمومی و نیازها و ضرورت ها و مصلحت های آن جامعه نیز ارتباط جدایی ناپذیر دارد (خوئینی، ۱۳۸۶، ص ۱۰). شهروندی در ایران پدیده ای نو و در حال تحقق است و تحقق کامل آن نیازمند پیش شرط ها و الزامات خاص است. اصلی ترین مانع تحقق کامل شهروندی در ایران را می توان از یک سو به فقدان منابع و فرصت های اجتماعی در سطح کلان مربوط دانست که بر توانمندی جامعه برای پاسخگویی به نیازها و خواست های اعضای خود باز می گردد و از سوی دیگر به نبود آگاهی و شناخت، مهارت های فکری و مشارکتی، وضعیت رفاهی مناسب، عدم مشارکت و حضور در فعالیت های داوطلبانه و نوع ارزش ها و نگرش های افراد که بر توانایی اعضای جامعه دلالت دارد. شهروندی واقعی زمانی برای زنان به طور تمام تحقق می یابد که زمینه های عینی و ذهنی آن در

جامعه فراهم شود. پس می توان گفت، امروزه فضاهای شهری ایران شاهد حضور و فعالیت گسترده زنان می باشد. البته این حضور با توجه به ویژگی های فردی و ساختارهای اجتماعی، در طیفی از حضور محدود و سنتی در قالب جلسات زنانه و یا وابسته به همراهی اعضای خانواده- تا زنان ایدئولوژیک باهدف تغییر در ساختار مردسالاری جامعه و اثبات استقلال زنان و حق حضور و فعالیتش در فضا(حبیبی، پور شجاعی، ۱۳۹۴: ۲۵) قابل تغییر است. در این پژوهش این بحث که این فضاهای عمومی به چه میزان مناسب حضور و فعالیت حقوق و نقش زنان است مورد توجه قرار گرفته است. از این روی تلاش می شود به بررسی مشارکت و حضور نقش زنان در فضای شهری پرداخته شود و عواملی که در مشارکت آنان و ایجاد فضاهای قطبی، مردانه و قشربندی شده تأثیرگذار است را در خیابان جمهوری اسلامی مهاباد که خیابان قدیمی بوده است ارزیابی می شود.

اهمیت و ضرورت

حقوق شهروندی جزء لاینفک جامعه ی مدنی و مبنای تشکیل آن به شمار می رود، چرا که امکان مشارکت داوطلبانه ی همه ی افراد را در تمام عرصه های اجتماعی فراهم می سازد. بنابراین، در گذر از جوامع سنتی به مدرن تغییراتی در جهت تحقق حقوق شهروندی در سطوح فردی و ساختاری پدید می آید. با اتفاقاتی که در نظام جهانی به وقوع پیوسته، از جمله، گسترش ارتباطات، جهانی شدن، چند فرهنگ گرایی، کشورها از جمله کشور ما تحت تأثیر نظریه ها و دیدگاه های جدید در ارتباط با شهروندی قرار گرفته و این امر ضرورت پژوهش در مورد شهروندی زنان را بیشتر می کند. همچنین اهمیت موضوع از آن جهت است که شهروندی در دوره ی زمانی نسبتاً کوتاهی، به مفهوم مهمی برای توصیف، درک و تبیین شیوه های مختلف که اعضای جامعه در فرآیند توسعه سهیم یا از آن محروم اند، بدل گردیده است (شیانی، ۱۳۸۳: ۱۰). در حقیقت هیچ مفهومی یا ایده ی دیگری به اندازه شهروندی در تاریخ بشر، آرمان های نیاز انسان به برابری و خواسته هایش برای آزادی را ترکیب نمی کند. البته این ترکیب هرگز اشتباه نبوده است و با تمام مفاهیم مهم مدرنیته پیوند خورده است. از طرفی زنان نه تنها باز تولیدکنندگان زیست شناختی یک گروه قومی هستند، بلکه حاملان فرهنگی نیز می باشند که نقش اساسی در انتقال نهاد های فرهنگی و زبانی به جوانان را به عهده دارند و مظهر نمادین تمایز و وحدت ملی در نظر گرفته می شوند (کاستلز، دیویدسون، ۱۳۸۲: ۲۵۲). بنابراین، اگر جامعه به شهروندی مفید و موثر آنها نیاز دارد، پس باید مطمئن شود زنان از طریق فرصت هایی برای اکتساب مهارت ها، توانایی ها و اطلاعات ضروری تربیت شوند. متخصصان توسعه "کنترل شهروندی" را عالی ترین سطح و نوع مشارکت تشخیص داده اند. در این نوع مشارکت، مردم با تصمیم گیری های زندگی روزانه که آنها را تحت تأثیر قرار می دهد، دخالت می کنند. از طرفی، مفهوم مشارکت در تعاریف جدید، از عملی منفعلانه و خودبخودی به کنشی فعال و آگاهانه تغییر کرده، واحد تحلیل مشارکت، فرد و عمل ارادی و آگاهانه و مسالمت آمیز او برای تأثیر گذاری در نظام است.

اهداف تحقیق

این پژوهش با هدف بررسی نقش و حقوق زنان در فضاهای شهری انجام گرفته است و همچنین این پژوهش در پی تبیین ارتباط متغیرهای گذراندن اوقات فراغت، فضای ویژه بانوان، تنوع فعالیت ها در فضا، امنیت، روشنایی مناسب فضا در شب و عدم وجود فضاهای پنهان، تنوع حضور افراد در فضا در نقش و حقوق زنان تاثیر می گذارد.

فرضیه تحقیق

به نظرمی رسد متغیرهای همچون گذراندن اوقات فراغت، فضای ویژه بانوان، تنوع فعالیت ها در فضا، امنیت، روشنایی مناسب فضا در شب و عدم وجود فضاهای پنهان، تنوع حضور افراد در فضا بر نقش و حقوق زنان تاثیر می گذارد.

مبانی نظری تحقیق

فضای شهری

فضاهای عمومی مکانی برای رفع نیازهای روزمره و زندگی عمومی در شهرها هستند. این فضاها در طول زمان و براساس شرایط اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی تغییر می یابند (Pasaogullari & Doratli N.225, 2004). فضاهای شهری هم چنین محفلی برای فعالیتهای مختلف هستند. در تعریفی ساده فعالیت های بیرونی در فضاهای عمومی در سه دسته قرار می گیرند، هر مکانی با خواسته ای متفاوت در یک محیط کالبدی شامل این فعالیت ها خواهد بود. این فعالیت ها عبارتند از: فعالیت های ضروری و اجباری، فعالیت های انتخابی و فعالیت های اجتماعی (رضازاده و محمدی، ۱۳۸۶: ۱۰۶).

از آنجا که زندگی روزمره مردان و زنان در این فضاها رخ می دهد، مناسب بودن این فضاها برای استفاده تمام گروه ها موضوع بسیار مهمی است. اما تجربه استفاده از فضاهای عمومی، برای استفاده کنندگان مختلف با توجه به سن، جنس، طبقه اجتماعی و... متفاوت بوده و در نوع زندگی و درک آن موثر است (۲۰۰۴، ۲۱۶، Roman, Garcia). به عبارتی نیاز به حضور در فضا برای همه گروه ها و ایجاد امکانات حضور همه گروه های استفاده کننده فارغ از جنسیت، سن، سطح درآمد، شغل و سایر موارد امری است که ضرورت آن به اثبات رسیده است و اخیرا موضوع تحقیقات مختلفی قرار گرفته است. در این میان، زنان گروه بزرگی از استفاده کنندگان فضا هستند. نکته قابل توجه آنکه آنان بواسطه نقش اجتماعی مراقبت از کودکان، کهنسالان و بیماران در ارتباط با فضای باز شهری نیازهای خاصی دارند که باید مورد توجه قرار گیرد.

تعامل اجتماعی در فضاهای شهری

فضاهای باز شهری بستر ارتباطات و تعاملات اجتماعی شهروندان می باشد. حضور مثبت افراد در فضاهای باز شهری سطح تعاملات اجتماعی و حس تعاون و شهروندی را ارتقا می دهد. از دلایل اهمیت چنین فضاهایی، امکان برقراری روابط و برخوردهای اجتماعی، جلوگیری از بروز مشکلات روانی، افسردگی، تقویت اعتماد به

نفس و... ذکر شده است (پاکزاد، ۱۳۸۴، د). بدیهی است لذت از حضور در فضاهای شهری و برقراری روابط اجتماعی حق تمام شهروندان است، بنابراین زنان نیز باید از حضور در فضا لذت ببرند.

انواع ارتباطات در فضاهای شهری

بدیهی به نظر می رسد که با توجه به مفهوم تعامل، می توان آن را براساس مکانی که اتفاق می افتد، به دو دسته طبقه بندی

نمود؛ ارتباطات اولیه و ارتباطات ثانویه. ارتباطات دسته اول (اولیه) شامل آن دسته از ارتباطاتی می شود که بر پایه علایق و جذابیت صورت می گیرد. ذات این دسته از ارتباطات مشروط می باشد. برای نمونه ارتباطات خانواده می تواند براساس گونه ای هسته ای که شامل زن، شوهر و فرزندان می شود و یا گونه غیرهسته ای که شامل اعضای بیش از دو نسل هست، تغییر کند.

ارتباطات دسته دوم (ثانویه)، هدفمندتر هستند. این ارتباطات شامل افراد گروه هایی است که به دلیل رسیدن به یک هدف خاص گرد هم می آیند. این ارتباطات قابل تقسیم به دو دسته اصلی است: گروهی که رضایت ذاتی در برقراری ارتباطات دارند و به عنوان تعامل "تعریف شده" نامیده می شود و گروه دیگری که هدفشان از ایجاد تعامل، وسیله ای برای رسیدن به یک هدف است که به عنوان تعامل "ابزاری" نامیده می شود (Knox P & Pinch S, 2000, 219).

ضرورت حضور زنان در فضاهای شهری

در این بخش برآن هستیم تا اهمیت حضور زنان در فضاهای شهری را از دید حقوق شهروندی در جامعه مدنی و براساس مفهوم شهروندی کثرت گرا بیان نماییم. همانطور که بیان گردید یکی از مهم ترین نیاز انسان ها در فضاهای شهری، نیاز به برقراری ارتباط در فضاهای شهری است. بنابراین زنان نیز باید به این نیاز خود پاسخگویند. فارغ از مسائل بیان شده، نباید فراموش نمود که زنان به عنوان یک شهروند کامل همانند مردان باید از حقوق شهروندی بهره مند شوند. بدیهی است حق حضور و ایجاد روابط اجتماعی، حق مسلم زنان است.

مفهوم کثرت گرایی، شهروندی کثرت گرا و حقوق شهروندی زنان

مهم ترین ویژگی جامعه مدنی، کثرت گرایی آن است. در واقع ضرورت کثرت گرایی در مفهوم جامعه مدنی ضرورت و لزوم گفتگو میان اندیشه های گوناگون در تقابل آرا و رسیدن به اجماع تعریف می شود. کثرت گرایی نتیجه بلافصل آزادی های انسانی در پرتو اندیشه های مدرن است که خود منجر به بسط و توسعه آزادی می گردد (حبیبی، ۱۳۸۷: ۲۷). مفهوم کثرت گرایی تمام گروه ها را فارغ از سن، جنس، نژاد و..... مستلزم داشتن حقوق شهروندی می داند و پیشنهاد می کند تا بر روش هایی که خواست های متعدد زنان را مورد توجه قرار می دهد، تمرکز خاص صورت گیرد. مفهوم شهروندی امروزه تحول یافته است و به تنهایی مشتمل بر حقوق شهروندان در مسائل سیاسی نیست بلکه امروزه به مفاهیم فراتری مانند مشارکت و حق زنان در

عرصه های گوناگون زندگی عمومی محله ای، تشکیلات و موسسات سیاسی و " حرکت های اجتماعی است (Wekerle ۲۰۰۰, ۲۰۶-۲۰۷).

بنابراین مفهوم شهروندی کثرت گرا حق شهروندی را از آن تمام گروه ها معرفی می کند. حقوق شهروندی مشتمل بر حقوق سیاسی، اجتماعی، حقوق انسانی و... است. در این میان حقوق اولیه انسانی مانند مسکن، غذا، اشتغال و ... (در سطوح اولیه)، حقوق اجتماعی مانند مشارکت در تصمیم سازی وهم چنین حضور در فضاهای شهری به صورت خاص می باشد. شهروندی کثرت گرا تحت عنوان حقوق که می تواند اهداف و فرم های متنوعی داشته باشد، تعریف می شود. برای نمونه خواست های مادی برای نیازهای ابتدایی زندگی، درخواست مشارکت بیشتر و ... که ساختارهای حکمروایی شهری را مورد توجه قرار می دهد (Wekerle, 2000, 206)

حقوق شهروندی و فضای زندگی روزانه

زنان خواستار حقوق خود به عنوان موضوعی جنسیتی شده اند، زنان مدعی حمایت از فضاهای زندگی روزمره اند. آنها بر این باورند که تجارب و نظرات آنها بوسیله تصمیم سازان، اقتصاددانان و ... مورد بی توجهی قرار گرفته است. به عبارتی زنان هنگامی که در فضای عمومی همراه مردان نیستند، نمی توانند مدعی چنین حقوقی همانند مردان باشند.

در آغاز زنان شمال اروپا رویکرد زندگی روزمره را به عنوان چشم اندازی جایگزین در اسکان و سازماندهی محلات بر اساس نیازهای زنان و کودکان پیشنهاد نمودند. تامین سرمایه پروژه های مذکور از طریق جوامع اروپایی صورت می گیرد. این پروژه ها از زیرساخت های ملی و محلی حمایت می کنند که تلفیقی از سکونت، مراقبت، کار در فضا را بواسطه ارتقای زندگی سطوح محلی را فراهم می آورد. در کشورهای شمال اروپا، این رویکرد در برنامه ریزی شهرها با توجه به زندگی روزمره زنان و بواسطه بهره گیری از دانش تجربی زنان در ایجاد جوامع پایدار اجتماعی اجرا شده است. این موضوع به ایجاد طرح های جدید جنسیتی برای تحرک و امنیت شهری و طراحی فضاهای میانی در شهرها که امکان تلفیق مناسب اشتغال، زندگی خانوادگی و خدمات را فراهم می آورد، منجر می شود.

این پروژه ها در برخی از موارد، فراتر از آرزوهای آرمانی عمل نموده اند. برای نمونه در گوتنبرگ و سوئد، انجمن شهر، محله ای جدید را بر مبنای اصول برنامه ریزی جنسیتی ایجاد نموده است. در ایتالیا و آلمان نیز توجه بیشتری بر برنامه ریزی زمانی شده است، این بدین معناست که سازماندهی مجدد فعالیت های روزمره در فضاهای شهری و در طول زمان در ایجاد هماهنگی بین برنامه های خرید، برنامه اداره های دولتی، مدارس و محل کار موثر بوده است. با استناد به این عبارت که شهروندان زمان شهر هستند " زنان حقوق شهروندی خود را به سازماندهی مجدد زندگی روزمره خود مرتبط می دانند و آلترناتیو هایی را برای ۲۴ ساعت به صراحت بیان نموده اند (Wekerle, ۲۰۰۰, ۲۰۷-۲۰۸).

محدودیت های زنان در استفاده از فضاهای عمومی شهری

بطور تاریخی، در قلمرو اندیشه و حوزه ی نظر، نسبت به حقوق و تکالیف زن و مرد در همه ی فرهنگ ها برخورد آرا جریان داشته و جنسیت، یکی از مهم ترین عوامل تعیین کننده ی چگونگی تعادل در این زمینه بوده است. جنسیت، یکی از ویژگی های اساسی سازماندهی هر جامعه است، بطوریکه تمامی تفاوت های دیگر مانند قومیت، طبقه اجتماعی، ناتوانی و سن را در اولویت بعدی قرار می دهد (Reeves, ۲۰۰۳, ۲). از این رو به عنوان یک عامل اجتماعی و متاثر از فرهنگ تلقی گشته و به همین دلیل در فرهنگ های مختلف، تفاوت های جنسیتی ثابت نبوده و در طول زمان نیز، تغییرپذیر بوده است (Woodsworth, ۲۰۰۵). جنسیت، خصوصیات اجتماعی مرتبط با مذکر یا مؤنث بودن و رابطه بین زنان و مردان و نیز روابط درون جنسی بین آنان را نیز تعریف می کند (داگلاس، ۲۰۰۷، ۵)، تقسیم زیستی بین زن و مرد، شامل رفتارها، کنشها و اندیشه های اجتماعی فرهنگ حاکم است که در جامعه به عهده دو جنس گذاشته می شود. مفهوم جنسیت، انتظارات مرتبط با خصوصیات، ویژگی ها و رفتارهای احتمالی مردان و زنان را نیز در برمی گیرد و تحلیل سلطه پذیری زنان را از جبر بیولوژیکی و پایدار به حوزه اجتماعی تغییرپذیر، منتقل میکند (UNESCO, ۱۷, ۲۰۰۳). بدین ترتیب نقش های واضحی برای زنان و مردان بر پایه جنسیت، در جامعه شکل می گیرد (Larsen, ۲۰۰۹, ۱). بازتولید موضوع جنسیت در شهر، به مقررات معماری و جغرافیایی ساخته شده اجتماعی اطلاق می شود که حضور زنان را قاعده مند کرده و دسترسی آنان را به فضاهایی که به تولید قدرت و منفعت متصل هستند، محدود میکند (Phadke, ۲۰۱۰). بدین ترتیب، فضاها هم از طریق عمل های اجتماعی و نیز همبستگی های نمادین، جنسی می شوند. چنین تمایزی، فضا را در چارچوب عملکردها، مناسبات و قواعد ویژه، سازمان داده و مرزهای اجتماعی را مشخص می نماید (تانکیس، ۱۳۹۰، ۱۵۱). مفاهیم نظری در حوزه ی مطالعات زنان، عموماً درون مایه ی خود را از ایده ی تفکیک حوزه ها به عنوان بستر تاریخی محدودیت های زنان در استفاده از فضای عمومی می گیرند. این بستر، فضاهای خصوصی، پرهیزکاری و تقوا را برای زنان، و فضاهای عمومی و فعالیت را برای مردان می داند. تفکیک و جداسازی توسط سرمایه داری و مهاجرت مردم برای زندگی در حومه ی شهرها" تحمیل شده است (Day, ۲۰۰۰, ۳). در تحلیل ماهیت جنسی فضاهای شهری، ماهیت دوگانه فضاهای عمومی و خصوصی و دوگانگی فضایی مطرح می شود. تقابل میان حوزه ی خانگی و حوزه ی عمومی با استناد به نخستین تقسیم کار میان انسان ها، دو حوزه ی تفکیک شده را بوجود می آورد که حوزه ی خانگی و نگهداری از کودکان در اختیار زن و حوزه ی عمومی در تقابل آن، به تامین معیشت توسط مرد، اختصاص می یابد. رابطه ی میان این دو حوزه، تعیین کننده ی رابطه ی زن و مرد بوده، بطوریکه هرچه حوزه ی عمومی قدرت بیشتری می یابد، استیلای مرد بر زن نیز افزایش می یابد (فکوهی، ۱۳۸۰، ۲۳۸).

نیازهای زنان در فضاهای عمومی شهری

الگوهای رفتاری متفاوت زنان و مردان در فضاهای شهری ناشی از نیازهای متفاوت آنها می باشد که نادیده انگاشتن این تمایزات و منظور نکردن آنها در طراحی فضاهای عمومی شهری، موجب گریز زنان از این فضاها

می شود، چرا که توان جسمی و تمایزات روحی زنان و مردان، گونه های متفاوت طراحی را طلب می کند (الماسی فر، ۱۳۸۹). تامین نیاز انسان به دوست داشتن و در کنار جمع بودن، مستلزم وجود یک قرارگاه کالبدی است و فضاهای عمومی، بیشترین ظرفیت را در این رابطه دارند. امری که بدون پاسخگویی به نیازهای اولیه میسر نمی باشد. فضاهای جذاب، در درجه ی اول، تامین کننده ی نیازهایی مانند آسایش فیزیولوژیکی و ذهنی، استراحت، ارتباط فعال (مبتنی بر تماس مستقیم مردم با محیط و دیگران و تجربه مستقیم فضا)، ارتباط غیرفعال (امکان نظاره و مشاهده دیگران و اتفاقات و رویدادهای پیرامون)، کشف راز، خلق فضاها و منظرهای متفاوت و فعالیت های گوناگون با هدف تامین تنوع و ... می باشد (Carr, et al, 1992).

شکل ۱: نیازهای زنان در فضاهای عمومی شهری، (ماخذ: حبیبی و پورشجاعی، ۱۳۹۳، ۲۳)

به نقل از چرخچیان و دانشپور، ۱۳۸۶). با توجه به مطالب فوق، نیازهای زنان در فضای عمومی را میتوان بدین شرح فهرست نمود:

• **امنیت:** از نظر احساس امنیت زنان از آسیب پذیرترین اقشار جامعه هستند (تمدن، ۱۳۸۷، ۲۲). به طور کلی نیاز انسان به امنیت روانی و فیزیکی، از نیازهای پایه ای انسان در رابطه با فضا است که خود دارای ابعاد مختلفی مانند رویت پذیری فضا، امکان ادراک محیطی، تصور مکان و ارزش های زیبایی شناسانه و کنترل مکان می باشد (Wekerle, Whitman, 1995 & Crowe 2000). به نقل از چرخچیان و دانشپور، ۱۳۸۶، ۲۲)، چرا که استفاده ی زنان از فضای عمومی شهری، به واسطه ی ادراک خطر محدود می شود (تانکیس، ۱۳۹۰، ۱۶۳). احساس امنیت با توجه به خصوصیات جنسی متغیر بوده و توانایی جسمی و قدرت دفاع شخصی نیز به نوعی، دریافت انسان از امنیت را تحت الشعاع قرار می دهد (الماسی فر، انصاری، ۱۳۸۹، ۲۸).



• **فیزیک و ابعاد جسمی زنان:** منظورکردن فیزیک و ابعاد جسمی استفاده کنندگان، مبنای طراحی فضا تلقی می شود بطوریکه متناسب بودن ابعاد آن و همچنین مبلمان مناسب می تواند نقش مهمی در تامین آرامش ذهنی ایفا نماید. نکته ای که علی رغم ساده نمایاندن، تأثیری مهم در قابل یا غیرقابل استفاده کردن فضا می گذارد و نباید آن را نادیده گرفت (ذوقی، ۱۳۸۸، ۳).

• **نیاز به ارتباط و تعامل اجتماعی:** برقراری ارتباط، یکی از مهم ترین نیازهای انسان از جمله زنان به مثابه حقوق شهروندی در فضاهای شهری است. از آنجا که اغلب نیازهای فیزیکی و عاطفی انسان از طریق تعامل

اجتماعی و یا کنش متقابل فرد با دیگران به عنوان سنگ بنای جامعه برآورده می شود، لذا نیاز به برقراری رابطه با دیگران، زمینه ساز حضور انسان ها در فضا شده و فضاهای فراهم کننده این ارتباطات، فضاهایی مطلوب محسوب می شوند (لنگ، ۱۳۸۶، ۲۵، مطلبی، ۱۳۸۰، ۶۱).

• **رفع نیازهای روزمره:** فضاهای عمومی، مکانی برای رفع نیازهای روزمره ی زندگی در شهرها محسوب می شوند، بنابراین تامین آنها باید همواره در دستور کارگردانندگان این فضاها قرار داشته باشد (Habracken, ۲۰۰۴، به نقل از پورمحمدی، نورانی، ۱۳۹۱، ۱۷۱).

• **گذران اوقات فراغت:** امروزه زنان خانه دار از اوقات فراغت بیشتری نسبت به گذشته برخوردارند که سبب شده تا علائق آنها به سمت فضاهای عمومی بیشتر شود (زنجانی زاده، ۱۳۸۰، ۸۱). یکی از عملکردهای مهم فضاهای عمومی، به ویژه فضاهای باز عمومی، ایجاد مجموعه ای برای تفریح و گذران اوقات فراغت است. اما، اوقات فراغت زنان به طور کلی، مانند تجربه ی آنان از فضای عمومی، همچنان درگیر محدودیت هایی همچون کمبود زمان و پول، مسئولیت دوگانه خارج و داخل خانه ، و یا باورهایی که زنان حق تفریح و داشتن اوقات فراغت را ندارند، می باشند (۱۱۷: ۲۰۰۴، Krenichyn)، بدین ترتیب نیازهای زنان در فضاهای عمومی را می توان در قالب تصویرا دسته بندی نمود.

فضای عمومی ویژه ی بانوان

یکی از رویکردهای جدید برای تامین رضایت و امنیت بیشتر زنان در فضاهای شهری ، توسل به جداسازی زنان و مردان در فضاهای عمومی و ایجاد تسهیلات و خدمات اختصاصی برای آنان است. البته جداسازی فضاهای مردانه و زنانه از یکدیگر ریشه در جوامع سنتی گذشته دارد، اما در دنیای معاصر، اشکال جدیدتری پیدا کرده است که با انگیزه ها و دلایل مختلف، هم در کشورهای پیشرفته و هم در کشورهای درحال توسعه پیگیری می شود (مهدی زاده ، ۱۳۸۷، ۱۸).

در فضاهای شهری امروزه، به زنان مشکلات بیشتری نسبت به مردان تحمیل می شود، به طور مثال زنان نمی توانند به طور آزادانه به هر فضایی وارد شده و یا از هر فضایی استفاده کنند؛ مانند پارک ها و مکان های ورزشی که غالباً بصورت سرپوشیده در اختیار زنان قرار می گیرند (اعتماد، ۱۳۹۱). در ایران، ایده اولیه تشکیل این پارک ها، ابتدا در دفتر امور زنان ریاست جمهوری مطرح شد، اما توجه ویژه به این بحث از سال ۱۳۸۲ آغازگشت و برای اولین بار، شهرداری ها به همراه دفتر امور زنان وزارت کشور، در ایجاد مراکز تفریحی ورزشی و رفاهی برای بهره برداری زنان، پیشگام شدند. مهمترین اهداف ایجاد پارک بانوان از نظر شهرداری تهران به عنوان مسئول ایجاد چنین فضاهایی عبارت اند از: (معاونت اجتماعی فرهنگی شهرداری تهران، ۱۳۹۰، به نقل از ([http:// armon- m. ir](http://armon-m.ir))).

۱- حفظ تعادل جامعه از نظر امنیت و آرامش روانی

۲- حفظ و تحکیم بنیان خانواده؛

۳- پیشگیری از فحشا و فروپاشی نظم جامعه؛

۴- جلوگیری از نگاه ابزاری به زن و ابتدال وی

۵- تامین فضاهای ورزشی ویژه بانوان؛

۶- تقویت روحیه شادی و نشاط در بانوان بخصوص دختران؛

۷- تامین آرامش در نهاد مقدس خانواده؛

۸- حفظ سلامت جسمی و روحی زنان؛

۹- شادابی و تخلیه انرژی دختران جوان در محیطی امن همراه با آرامش

تجربه ی زنان ایرانی از حضور در فضای عمومی

زندگی اجتماعی انسان، حاصل برقراری تعادل میان زندگی خصوصی و ویژگی های زندگی اجتماعی بطور همزمان می باشد. در این زمینه، هانا آرنت در کتاب وضع بشر (۱۳۹۰)، می گوید: انسان علاوه بر زندگی خصوصی، واجد نوعی زندگی دوم یا زندگی سیاسی، نیز هست. اکنون هر شهروندی به دو نظام یا مرتبه ی وجودی تعلق دارد و تمایز مشخصی در زندگی اش، میان آنچه از آن خود اوست و آنچه که جمعی و مشترک است وجود دارد (آرنت، ۱۳۹۰، ۹۲). آرنت اضافه می کند که فضل و سرآمدی، همواره به حیطه عمومی نسبت داده شده است، هر فعالیتی که در انظارعموم صورت می پذیرد، می تواند به سرآمدی دست پیدا کند که هرگز در خلوت یا زندگی خصوصی نظیر و مانند ندارد. برای سرآمدشدن، حضور دیگران همواره ضروری است و این حضور، نیازمند رسمیت و آداب و تشریفات امر عمومی است. حیطه عمومی، محمل مناسبی برای سرآمد شدن بشر است (آرنت، ۱۳۹۰، ۹۳). بنابراین سرآمدی و حضور زنان در فضاهای عمومی، نیازمند داشتن مشروعیت از جانب یکی از دو نظامی است که زن به آن تعلق دارد؛ نظام خانواده و نظام جامعه. گرچه، زنان نیز چون مردان، ضمن تعلق به نظام خانواده، همزمان به نظام اجتماعی و جامعه نیز تعلق دارند، لیکن، وابستگی تاریخی زنان به خانه و فرآیند کنترل رفتار اجتماعی آنان توسط خانواده، مشروعیت و چگونگی حضور زنان در نظام اجتماعی را رقم زده و درصورت تناقض و تباین ارزش ها، موجب محدودیت حضور اجتماعی آنان می گردد. محدودیت های اعمال شده، ناشی از ضرورت انطباق با هنجارهای غالب اجتماعی و اقتصادی بوده و غالباً فضای خانه و فضای نزدیک آن را متعلق به زنان می داند.

از زمان ظهور و ورود مدرنیته در جامعه ایران، اجتماع زنان دستخوش تحولات شگرفی شده که یکی از مهم ترین تغییرات، حضور زنان در حوزه ی عمومی بود. در این دوران، گرچه فضاهای عمومی به صورت قانونی جنسیتی نشده بودند و ازادبودن فضای عمومی برای همه یک قانون محسوب می شد، ولی با این حال، آن وضعیت هیچوقت توسط اکثریت خانواده های سنتی پذیرفته نشد، بنابراین اختلاط جنسیتی بیشتر در فضاهای عمومی محلات ثروتمند، مدرن و غربی مآب تهران رخ داد. در دوران قبل از انقلاب، اقتدار دستگاه حکومتی بر مردم، بزرگ ترها به کوچکترها، مردان بر زنان و ... غیرقابل انکار بود. آغاز انقلاب، شروعی برای مرگ قدرت های قبلی و تولیدی برای نوع جدیدی از قدرت بود که در عین تازگی و نوظهوری، مبتنی بر سنت و مذهب بوده و اعتقاد به هیچ طبقه بندی اجتماعی، جغرافیایی، فضایی و ... نداشت، به همین دلیل در هر طبقه

ای و در تمامی مکان ها و فضاهای شهری ظاهر می شد. زنانی که پیش از این اجازه حضور در فضای خارج از خانه را نداشتند. در این دوران، تحت مشروعیتی فراتر از نظام سنتی در این تجمع های انقلابی شرکت می کردند (Amir Ebrahimi ۲۰۰۶). به طور کلی، آنچه که قبل از وقوع انقلاب اسلامی در بسیاری از خانواده های سنتی کشور، علی رغم ورود مدرنیته، رفتار اجتماعی زنان را کنترل و محدود می نمود، بعد از انقلاب بدلیل همگراشدن ارزش های سنتی خانواده با ارزش های اجتماعی، از یک طرف حضور مشروط زنان در فضاهای عمومی را موجب گردید و انطباق با موازین کنترل فرهنگی در فضاهای عمومی، مشروعیت حضور زنان را اندازه می نمود و از جانب دیگر بدلیل قدرتمندتر بودن نظام ارزش های اجتماعی، در مواردی موجب از هم گسستن بندهای سنتی مسئولیت های خانگی زنان گردیده و به پشتیبانی مشروعیت حضور اجتماعی، آنها را از برخی وظایف و محدودیت های تاریخی رهانیده و همزمان در فرآیند انواع تحرک های ایدئولوژیک اجتماعی قرار داد. پدیده هایی چون حضور فعال زنان در جریان انقلاب، حمایت و پشتیبانی همه جانبه از جنگ تحمیلی و حتی حضور نظامی زنان در این زمینه، مصداقی کم سابقه در تاریخ رشد اجتماعی زنان کشور محسوب می گردد. زنان که پیش از این به ندرت خارج از خانه دیده می شدند، در این دوران تحت مشروعیت نظام ایدئولوژیک جامعه در عرصه ی کار و فعالیت و در دوران جنگ در جبهه ها نیز دیده شدند. در واقع درک و تجربه ی مدرنیته و حضور اجتماعی زنان در کنار ایفای نقش فعال شان در انقلاب موجب شد که محدودیت های اعمال شده مانع حضور زنان در فضای عمومی نگردد.

بدین ترتیب محدودیت های رسمی، موجب تشویق زنان به اشتغال و تحصیل در دانشگاه ها و به طور کلی فعالیت اجتماعی زنان شد. البته به دلایل مختلفی مانند از دست دادن مردان جوان در طول جنگ و نرخ بالای تورم، مهارت های حرفه ای جدید زنان، به رسمیت شناخته و با توجه به کمبود متخصصان، ورود آنها به دنیای حرفه ای پذیرفته شد. از طرفی با تغییر زندگی طبقه ی متوسط به دلیل تورم بالای پس از جنگ، بسیاری از زنان هم در خانه و هم خارج از خانه شروع به کار کردند. عدم حضور مرد در خانه به دلیل افزایش ساعات کاری نیز موجب شد تا بسیاری از کارهای خارج از خانه که تا آن زمان کارهایی مردانه محسوب می شدند، در حیطه ی وظایف زنان قرار گیرد، مانند پرداخت ها، خرید، رسیدگی به کارهای خارج از منزل فرزندان، رفتن به ادارات مختلف و ... (Amir Ebrahimi ۲۰۰۶). در این ارتباط، زنان ایران را می توان در نحوه ی استفاده از فضاهای عمومی به چند گروه تقسیم نمود: یک دسته شامل زنان خانواده های سنتی که به دلایل فرهنگی مختلف و ترس از فضای عمومی، حضور ناچیزی در این فضاها داشته و جدی ترین حضور و مشارکت آنان در فضای عمومی، در قالب جلسات مذهبی و سنتی زنانه می باشد (ماشینی، ۱۳۸۵). مشروعیت فعالیت این زنان تحت نظام پدرسالاری خانواده است. برخی از این زنان حضور خود را در فضای عمومی برای کاهش رابطه با جنس مذکر به موارد اضطرار محدود می کنند. آنان در فضاهای عمومی کمتر حاضر شده و ترجیح حضور اختیاری شان در فضاهای عمومی، تک جنسیتی بودن فضاست (مانند بوستان زنان). دسته دیگر، زنان طبقه متوسط هستند که علی رغم وجود ترس، تلاش می کنند همانند مردان تا حد ممکن در صحنه های

اجتماعی حاضر شوند و زن بودن مانعی برای حضورشان در فضای عمومی جامعه نباشد. این زنان بنا به اجبار به محیط های تک جنسیتی (مانند شهربانوها و بوستان های بانوان برای فعالیت پناه می برند، در حالی که در دل معتقدند باید فضای جامعه به صورت مختلط، پذیرای حضور توأم با امنیت آنان باشد. دسته سوم نیز زنانی هستند که با بهره گیری از الگوهای فمینیسم غربی در محیط های پرخطر وارد شده و تلاش می کنند فضا و هنجارهای غالب مردانه و زنانه درباره تسلط و تسخیر فضا را واژگون سازند. این زنان، تمایلی به محیط های تک جنسیتی شهر نشان نداده و بالعکس خواهان تحمیل حضور خود در محیط های مختلط و حتی با اکثریت مردانه هستند. گروه آخر، سعی بر مقابله با نظام پدرسالاری خانواده و جامعه داشته و در تلاش برای اثبات استقلال زن و فعالیت هایش از دیگران می باشند. دسته ی چهارم نیز زنان ایدئولوژیک اند که اساسا مشروعیت و مقصد حضورشان در عرصه و فضای عمومی، همراهی با اهداف سیاسی و اجتماعی مورد قبول حاکمیت رسمی می باشد. گروهی که به نوعی پدیده ای سنت شکن و غالبا انقلابی ارزیابی شده و هم راستا با معیارهای کنترل فرهنگی در فضاهای عمومی شهری حضور می یابند (اباذری و دیگران، ۱۳۸۷).

روش تحقیق

بنا به ماهیت موضوع و اهداف پژوهش، رویکرد تحقیق از نوع کیفی و کمی و روش تحقیق نیز توصیفی-تحلیلی است. بدین معنی که در ابتدا به توصیف و شناخت مفاهیم اصلی پژوهش، نقش و حقوق زنان در فضای عمومی پرداخته شده و سپس رابطه ی عوامل مختلف موثر بر موفقیت فضای عمومی در سازگاری با نیازهای زنان مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش مطالعه ی موردی از روش میدانی استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه، مشاهده و مصاحبه بوده است. پرسشنامه در جهت نقش و حقوق زنان در فضای عمومی موفق در ارتباط با سازگاری در جامعه ی آماری با نیازهای زنان تنظیم و به صورت جداگانه در هریک از فضاها مطرح شده اند. مشاهده و مصاحبه توسط پژوهشگر با حضور در ساعات مختلف روز و هفته و نیز گفتگو با استفاده کنندگان از فضا صورت گرفته است. تحلیل این اطلاعات به دو روش انجام شده است. برای این منظور از طریق مصاحبه و پرسشنامه با روش نمونه گیری تصادفی بر روی ۲۰۰ نفر از زنان مراجعه کننده به خیابان جمهوری اسلامی به عمل آمد و اقدام به جمع آوری داده های موردنیاز شد. نوع تحقیق کاربردی بوده و تحلیل ها از طریق کمی سازی داده های کیفی وبا استفاده از نرم افزار SPSS صورت می گیرد. بر این اساس دودسته سنجه های معطوف به الزامات حضور و مشارکت زنان و تنوع حضور و مشارکت زنان در فضای شهری مورد پرسش قرار گرفت.

محدوده مورد مطالعه

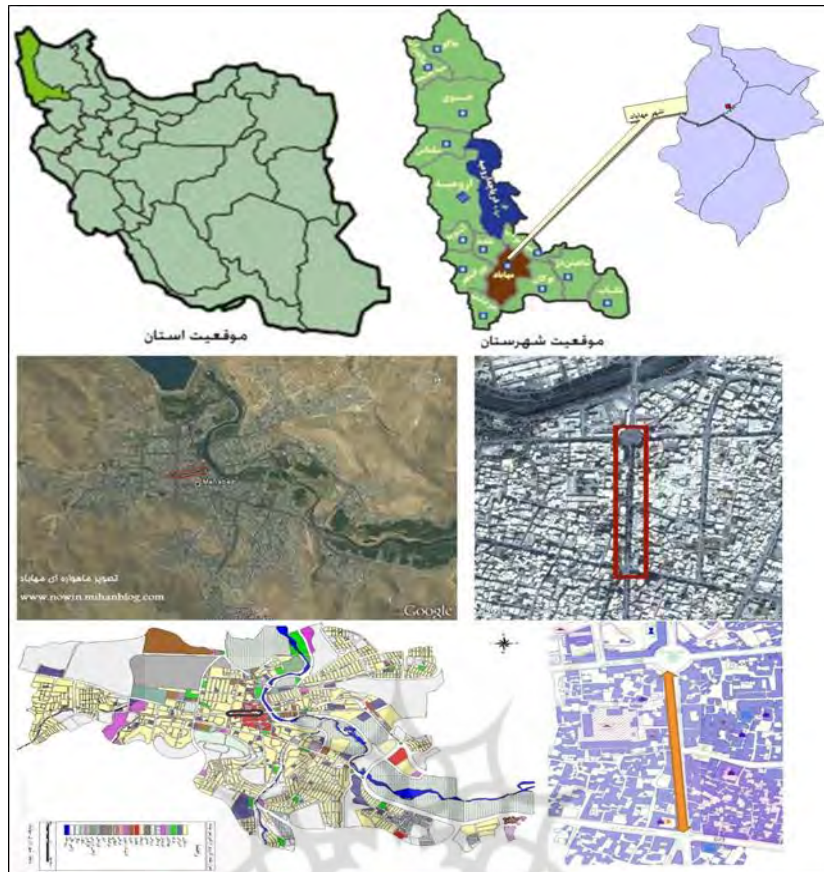
مهاباد، مرکز شهرستان مهاباد و یکی از شهرهای گُردنشین استان آذربایجان غربی در ایران است. این شهر که در جنوب استان و در منطقه تاریخی مکریان قرار دارد، مرکز حکومت امرای مکری بود، حکومتی که در این شهر اقدام به ضرب سکه کرد. مهاباد شهری سرسبز است و در میان چندین کوه واقع شده است. بر اساس

سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور در سال ۱۳۹۵ جمعیت این شهر ۱۶۸,۳۹۳ نفر بوده است. مهاباد که به نگین آذربایجان غربی مشهور است. همه ساله بیشترین آمار گردشگران را در این استان به خود اختصاص می دهد. از جاذبه های گردشگری این شهر می توان به رودخانه و سد مهاباد که یکی از نزدیکترین سدها به محلات مسکونی در جهان است. بازارچه ها و بازار بزرگ تاناکورای مهاباد که تأمین کننده اصلی لباس دیگر بازارها و مغازه های تاناکورای کشور محسوب می شود، همچنین وجود جاذبه های طبیعی همچون تالاب های بین المللی کانی برازان و قویی باباعلی، دخمه مادی فخریگاه و غار سهولان (دومین غار بزرگ آبی ایران در حاشیه و اطراف شهر اشاره کرد) (سایت شهرداری مهاباد).

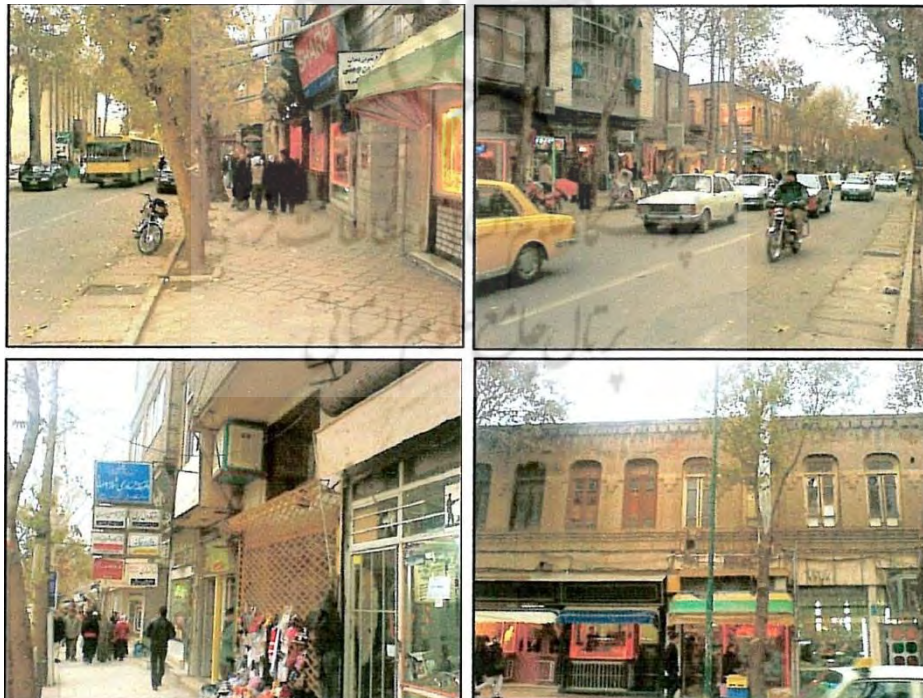
مورد مطالعه

خیابان جمهوری اسلامی با قدمتی در حدود ۹۰-۱۰۰ سال مهم ترین و ارزشمند ترین خیابان قدیمی شهر مهاباد محسوب می شود و از آنجا که زمان ساخت آن به دوره پهلوی می رسد این خیابان در بدو احداث به عنوان یک خیابان با عملکردی مطرح بوده است. که علاوه بر موقعیت اجتماعی دارای کارکردهای حکومتی نظیر اجرای مراسم بارعام، قرائت دستورات و احکام حکومتی و... بوده است امروزه علیرغم اینکه کاربری غالب بدنه خیابان تجاری بود و بناهای مهم و با ارزش تاریخی در مجاورت آن قرار گرفته است. خیابان جمهوری اسلامی را می توان ستون فقرات شهر قدیم مهاباد دانست. خیابان جمهوری به عنوان محورهای خدماتی عمده در مسیر شمالی- جنوبی در بخش میانی شهر، استقرار فعالیت های متنوع و مختلط، در امتداد این محور موجب استقبال اقشار مختلف در گروه های سنی متفاوت از این محور و رونق قابل توجه آن در طول روز بعد از ظهر است. فعالیت های مستقر در این محور شامل طیف گسترده ای از فعالیت های خدماتی در مقیاس شهر، منطقه و ناحیه است (الیاسی و پروزن، ۱۳۹۲: ۱۱).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی



شکل ۲: محدوده مورد مداخله پژوهش



شکل ۳: عکس هایی از خیابان جمهوری اسلامی مهاباد

ویژگی های خیابان جمهوری

- ≠ سرزندگی و حضور مردم در طول روز و بعد از ظهر؛
- ≠ استقرار انواع فعالیت های انتفاعی از نوع تجاری و مختلط در مقیاس شهری و ناحیه ای در جداره خیابان (محور عمده خدماتی و جزء ساخت اصلی شهر)؛
- ≠ شریانی درون شهری و واجد نقش های چندگانه جابجایی، دسترسی و اقتصادی-اجتماعی.
- ≠ پیوستگی در جداره خیابان و گرایش به افزایش تراکم ساختمانی؛ (طرح جامع مهاباد، ۱۳۸۸).

تحلیل و یافته های تحقیق

جرم و ارتکاب جرم در جوامع امروزی به عنوان یک مشکل اجتماعی که همه ساله بر زندگی هزاران تن از شهروندان تأثیر سو می گذارد به شمار می آید. تهدیدات و خشونت های جدی بر ضد مردم و دارایی هایشان وحشت قابل توجهی در اجتماع پدید می آورد جرم هایی از قبیل دزدی، تجاوزات و قتل و ربودن در اصل تهدیدات جدی بر علیه ایمنی و امنیت جامعه می باشند. ترس ناشی از این قبیل جرم ها به خودی خود می تواند آزادی رفت و آمد شهروندان را محدود کرده و مانع از حضور و شرکت آنان در عرصه جامعه و رسیدن به حقوق شهروندی آنها گردد. به ویژه که برخی از گروه های اجتماعی در برابر جرم و ترس از آن بسیار آسیب پذیر می باشند از قبیل افراد مسن، والدین و کودکان و نوجوانان؛ بدین منظور راهکارهای متعددی برای مقابله با انواع پیچیده جرم و ترس از آن مورد نیاز است. تمام س طوح راهکارهای جوابگویی مربوط به طراحی کارکرد اجتماعی و محدودیت های قانونی در راستای رسیدن به هدف مقابله با جرایم محیطی، در این زمینه کارا می باشند. در این ارتباط باید اذعان داشت که طراحی معماران شرکت های مربوطه می توانند نقش بسیار مهمی را در افزایش ایمنی و امنیت در جوامع به این عنوان که آنان تأثیر بسزایی در طراحی محیط دست ساز بشر دارند ایفا کنند. جومع از گذشته به پلیس و سیستم های قضایی و حفاظت آنان از طریق ارباب جرایم و مجازات مجرمان برای امنیت خود روی آورده اند حال آنکه سهل انگاری عمومی در رابطه با حفاظت از خویشتن به شدت ناشی از کمبود و یا نبود آگاهی از معنای حفاظت می باشد. رویکرد مذکور به دنبال افزایش ایمنی و امنیت توسعه و کاهش فرصت بروز جرایم است. این تحقیق با معرفی قوانین بسط و ارائه پیشنهاداتی در زمینه چگونگی کاربرد بهینه و کارآمد اصول این رویکرد در جوامع اسلامی و سنتی با توجه به سطح امنیت محیطی به ویژه برای حقوق شهروندان بالاخص زنان به دنبال بالا بردن کاربری و کیفیت محیط دست ساز بشر است. در این تحقیق به بررسی تعامل بین انسان (مطالعه و پژوهش حقوق زنان و محیط مصنوع پرداخته شده است) و به طور خاص هدف این تحقیق مطالعه نحوه تأثیر محیط بر روی قشر زن و چگونگی برداشت آنان از فضاهای عمومی به ویژه خیابان ها می باشد که براساس الگوی ارائه شده تأثیر عوامل ده گانه بر روی زنان مورد مطالعه قرار می گیرد به علاوه از طریق سوالات پرسش نامه می توان اصولی در زمینه طراحی فضاهای شهری را نیز استخراج نمود و در طراحی های آتی مدنظر قرار داد. برای نیل به هدف مورد نظر

پرسشنامه ای در غالب دو صفحه طراحی شد. معیارهای اصلی تدوین این پرسش نامه در جهت رسیدن به پاسخی نو در جواب به پرسش های زیر شکل گرفته است. خانم ها بیشتر از چه فضاهایی از خیابان استفاده می کنند و به چه دلیل؟ فضاهایی که کمتر توسط خانم ها استفاده می شود کدام قسمت های خیابان می باشد. دلیل عدم استفاده از چنین فضاهایی چیست؟ و این دریافت های ذهنی تا چه اندازه با اصول همپوشانی دارد. برای رسیدن به جواب هر بخش از سوال های اولیه در غالب چندین سوال در پرسشنامه مطرح گردیده است سوالات پرسش نامه مورد نظر بر پایه مدل نقش حقوق زنان درساماندهی فضای شهری رویکرد طراحی گشته و در آن از خانم ها خواسته شد تا دلایل ذهنی و برداشت شخصی خود را از فضاهایی که در آنها احساس ناامنی می کنند شرح دهند.

امروزه در جوامع پیشرفته جایگاه حقوق زنان به یکی از نکات اصلی طراحی شهری بدل گشته است به گونه ای که خواستگاه آنان در زمره شاخصه های اصلی طراحی به شمار می رود توجه به حضور فعال زنان در دامنه فعالیت های روزانه زمینه ای را می طلبد تا به راحتی بتوانند به فعالیت های روزانه خود بپردازند. این خواستگاه ها تمام زمینه های کاری اداری و تفریحی آنان را در بر می گیرد اصول طراحی فضاهای شهری در زمینه فراهم نمودن امنیت محیطی به صورت کلی تمام اقدار جامعه را مدنظر قرار می دهد. ولی نکته مهمی که گاه از دید طراحان پنهان می ماند توجه به جنسیت افراد در بهره گیری از فضاهاست چه بسا فضاهایی که به راحتی برای جنس مذکر قابل بهره گیری است ولی برای جنس مونث کارایی چندانی ندارد احساس امنیت با توجه به خصوصیات جنسی نیز متغیر است و توانایی جسمی و قدرت دفاع شخصی نیز به نوعی دریافت انسان از امنیت را تحت شعاع قرار می دهد بر اساس ضوابط امنیتی فضاهای عمومی (مطالعه موردی خیابان باید به گونه ای طراحی شوند تا تمام افراد قابل استفاده). توجه به این مطلب که حضور زنان در فضاهای عمومی چه محل کار و خیابان موجب تلطیف و کاهش خطرات محیطی می شد، طراحان را بر آن می دارد تا شاخص جنسیت را جزو اصول اصلی طراحی خود قرار دهند در زمینه امنیت محیطی کشورهای اسلامی برنامه ها و راهکارهای گوناگونی را به منصفه ظهور رسانده که رویکردهای قوانین اسلامی و اعتقادی در این زمینه دخیل بوده اند. لذا دامنه معیارهای امنیت محیطی در این کشورها هم گسترده بوده و هم از اهمیت بالایی برخوردار است. به منظور بررسی اولیه جهت تعیین طبقه بندی مسیرها مورد نظر در زمینه تراکم و میزان استفاده افراد در طول یک هفته میزان شمارش افراد از مسیرهای مختلف در طول چهار دقیقه مورد بررسی قرار گرفت. این مطالعات شامل تفکیک جنس افراد، متغیر سن، و نشسته یا در حال حرکت بودن آنها می باشد. براساس بررسی های به دست آمده قادر خواهیم بود تا مشخص نماییم در طول روز از چه فضاهایی به چه اندازه ای و با چه جنسیتی بهره گیری می شود. با رنگ بندی میزان رفت و آمد متوسط در ساعات پر تراکم و کم تراکم با طبقه بندی اعداد آنها را طبقه بندی کردیم. وقتی محدوده نقاط جرم خیز خیابان قبلا در آن فضاها جرمی رخ داده بر پایه اطلاعات موجود با لایه به دست آمده از مطالعات میدانی مقایسه شود. هم پوشانی این محدوده ها مشخص می گردد و این نکته که افراد به دلایل عدم امنیت محیطی کمتر در این فضاهای خیابان حرکت می کنند و عدم حضور

شهروندان در این محدوده ها امکان بروز جرم را افزایش می دهد. با جداکردن جنسیت ها مشخص می شود که فضاهایی که توسط آقایان استفاده می شود به مراتب از فضاها و مسیرهایی که خانم ها به کار می رود، بیشتر است و این خود نشان می دهد که خانم ها دریافت متفاوتی نسبت به امنیت محیطی از این فضاها دارند. مسیرهایی که توسط خانم ها بیشتر مورد استفاده قرار می گیرند، مسیرهای عریض و با تراکم جمعیتی بالا می باشد. پوشش گیاهی کمتر و شیب کمتری دارند.

بسیاری از این دلایل شاید بالواقع عینیت نداشته باشند ولی این دریافت ذهنی افراد از امنیت محیط است که مانع از رفتن آنها در فضاهای مربوطه می شود. لذا اتخاذ روش های نو در جهت بهبود خوانایی و شفافیت محیط های عمومی راهی است برای افزایش کارایی آنها نتیجه گیری و جمع بندی نگرش جنسیتی به مساله امنیت نمی تواند تبعیض و خط کشی محسوب شود. زیرا در صورت ایجاد یک فضاها امن برای زنان به طور متعاقب کودکان و مردان نیز احساس امنیت و آرامش خواهند داشت. همچنین از بعد عدالت اجتماعی و عدالت حقوق شهروندی، زنان نیز مانند مردان باید در فضای شهری که شهروند آن محسوب می شوند احساس راحتی و امنیت داشته باشند و حضور آنان در شهر بدلیل ناامنی ناشی از ضعف های شهرسازی محدود نشده باشد.

اگر برابری در اجتماع را به ایجاد امکان زندگی، انتخاب و رضایتمندی برای تمام افراد با توجه به تفاوت در خصوصیات و نیازهای آنها معنی کنیم، در حال حاضر حقوق زنان به عنوان نیمی از جامعه انسانی از امکان حضور برابر با مردان در عرصه اجتماع محروم اند. برای تامین این برابری جامعه باید با درک تفاوت در نیازها، موقعیت و اهداف افراد، موانع محدود کننده را رفع کند و به آنها امکان حضور و مشارکت اجتماعی برابر را بدهد. ترس از جرم به اندازه خود جرم مسئله ساز است. در واقع ترس از جرم، رفتار و حالات را در فضاهای شهری تغییر می دهد و این اثرات روی زنان و دیگر گروه های آسیب پذیر اجتماعی و اقتصادی شدیدتر است، از جمله اینکه حرکت های آنها را محدود می کند و بویژه بعد از تاریک شدن هوا موجب در خانه ماندن مشکلاتی برای آنها می شود و در نهایت وابستگی زنان را به مردها افزایش می دهد و یک دید کلیشه ای به زنان به عنوان ضعیف و ناتوان بودن را تقویت می کند.

توجه به جایگاه زنان در جوامع کنونی و محدودیت ها و حرایم موجود به ویژه در کشورهای اسلامی می بایستی این شاخصه ها را تا حدودی پررنگ تر نمود تا احساس امنیت محیطی در بخش های مختلف فضاهای شهری به ویژه پارکها و فضاهای گردشگری در ساعات مختلف شبانه روز برای زنان فراهم شود تا به راحتی و بدون دغدغه بتوانند از این فضاها استفاده نمایند. زنان و بویژه زنان سالخورده نسبت به مردان در رویارویی با ناامنی رفتارهای اجتناب کننده ای دارند و در نتیجه کمتر از فضاهای عمومی استفاده می کنند و در صورت عدم امنیت یا احساس عدم امنیت به سمت نزدیک ترین مغازه؛ رفته و استفاده از تلفن های عمومی؛ و یا پیاده روی به سمت خانه یک دوست؛ و یا پیاده روی از بین پارک واحد همسایگی و یا پیاده روی به سمت یک سینما و یا رستوران؛ و یا موقعیت های ابتدایی و یا انتهایی در سفرهای حمل و نقل عمومی مثل منتظر ماندن در یک ایستگاه اتوبوس و یا پیاده روی از ایستگاه به سمت ماشین پارک شده را انتخاب می کند... هرچه فرد

تصور مثبت تری از خودش داشته باشد به میزان بیشتری احساس امنیت می کند نتایج نشان داده اند که بیشترین ارتباط از آن متغیر تصور از خود است یا به عبارتی بالاترین مقدار ضریب تعیین در بین متغیرهای مستقل است. و میان میزان اقتدار زن در خانواده و احساس امنیت او در شهر ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. هر چه مرتبه شغلی فرد بالاتر باشد به هنگام حرکت در سطح شهر احساس امنیت بیشتری می کند و این ناشی از افزایش اعتماد به نفس در فرد است. و این فرض که زنان متاهل در مقایسه با زنان مجرد از احساس امنیت بیشتری در فضاهای عمومی برخوردارند رد شده است و از نظر احساس امنیت، زنان متاهل و مجرد با هم تفاوتی ندارند. زنانی که روزانه و بطور منظم به سطح شهر می آیند در مقایسه با دیگر زنان از آرامش خاطر و احساس امنیت بیشتری برخوردارند و خودیارتر هستند. و هر چه تجربه ناامنی یک زن بیشتر باشد در نتیجه اضطراب بیشتر و احساس امنیت کمتری خواهد داشت. این فرض که میان میزان تحصیلات و میزان احساس امنیت زنان رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد تایید نشده است.

جدول شماره (۱): نکات به دست آمده از دیدگاه حقوق زنان در فضای شهری (خیابان) محدوده ها

محدوده ها	دلایل امتناع از استفاده از مسیرها و فضاها
اول	حضور افراد کم در این مسیر مانع از رفتن می شود حضور پسرهای جوان که ظاهری خیابانی و ناسالم دارند . شیب زیاد مسیر حرکت ؛ لوپ گردش در مسیر پیاده روی طولانی تر می شود.
دوم	فضاهای جدا افتاده از مسیر اصلی است ؛ مسیرهای داخلی ناخوانا می باشد؛ از لحاظ طراحی منظر خوشایند نیست ؛ حضور افراد مرموز و ظاهر عجیب در ساعات کم تراکم روز مانع از رفتن می شود.
سوم	در هنگام شب نوردهی کمی در میان سروها وجود دارد و احتمال حضور افراد در پشت درختان کنار جوی ها موجب هراس می شود؛ مسیرهایی جدا از مسیرهای اصلی هستند؛ افراد کمی رفت و آمد می کنند؛ از وجود پایتال ها و طراحی منظر پیچیده خوانایی فضا را مختل می کند؛
چهارم	قسمت های انتهای مسیر تقریباً بلا استفاده هستند و به هیچ جایی دسترسی ندارند، وجود پایتال ها و پوشش کف موجب ایجاد وهم و ناخوانایی می شود ؛ مسیرها باریک هستند افراد کمی به این فضاها دسترسی دارند و رفت و آمد کم است؛ حضور افراد عجیب و پسرهای جوان (*). عدم دید کافی توسط دیگر افراد در مسیرها علائم بسیار کم است و نشانه ای برای بن بست بودن مسیر وجود ندارد ..

پنجم	سیرها باریکند و تو در تو. لحاظ منظر وب طراحی نشده ؛ در تابستان ها پوشش درختچه ها باعث مخفی شدن مسیر و توهم می شود ولی در زمستان مناسب است ؛ حضور مردان در مسیر کنار اسکیت در ساعات کم تراکم مانع از رفتن می شود.
ششم	این مسیرها دید کافی ندارند؛ ناخوانا بودن مسیرها چون فضاهای مخفی زیاد دارد؛ وجود وسایل بلا استفاده از جمله صندلی ها و سطل های شکسته مکانی ناامن ایجاد کرده ؛ پوشش گیاهی کنار گلخانه مانع دید می شود؛ نبود افراد دیگر مانع از رفتن در این فضاها می شود .
هفتم	خلوت بودن و حضور افراد کم هفتم باریک بودن بعضی مسیرها منظر سازی نامناسب.

نتیجه گیری و پیشنهادات

زنان چه به دلیل مسائل فرهنگی و یا عدم احساس امنیت، ساعات محدودتری را می توانند در بیرون از خانه سپری کنند و همین خود یکی از محدودیت های جدی برای فعالیت اجتماعی و حضور آنها در فضاهای شهری از جمله خیابان است. به علت نبود شبکه های دسترسی متناسب با نیاز زنان با توجه به فعالیت چند بعدی و روزمره آنان تسهیلات کافی برایشان وجود ندارد. خیابان ها باید با تامین امکانات مناسب و پاسخگویی به نیاز همگان، امکان حضور اقشار مختلف از نظر جنسی، سنی و ... را در این عرصه ها فراهم کنند و به این ترتیب بستری برای تعامل اجتماعی و ارضای این نیاز شهروندان محسوب گردند. بنابراین برای جلب مشارکت و فعالیت و حقوق زنان در اجتماع، حمایت اجتماعی و افزایش اعتماد به نفس آنان برای این حضور اهمیت کلیدی دارد و مناسب سازی فضاهای شهری برای پاسخگویی به نیازهای این گروه اجتماعی از مهمترین نیازها است. در این میان جلب توجه و حمایت دولت و نهادهای عمومی به عنوان تصمیم گیران اصلی و مداخله جدی آنها در برنامه ریزی در این زمینه و براساس محورهای زیر بسیار حائز اهمیت است

۱. از نظر احساس امنیت در فضاهای شهری زنان از آسیب پذیرترین گروه های اجتماعی هستند. تامین نظارت اجتماعی بر فضاها، تزریق فعالیت به فضاهای گمشده و بی دفاع، تامین روشنایی مناسب این فضاها به ویژه در ساعات شبانه، دقت در کاشت گیاهان و جلوگیری از ایجاد گوشه های پنهان و فاقد نظارت نصب نشانه های راهنما و کمک به تعیین موقعیت مکانی بهره برداران از فضا از اقدامات ضروری برای رفع این کمبودها هستند.
۲. بازنگری در مبلمان پیاده راه ها با توجه به برآورد نیاز واقعی زنان و حجم بهره برداری آنها و تامین تسهیلات دسترسی دیگر به ویژه تکمیل شبکه های پیاده راهی امن و با عرض و کفسازی مناسب، می تواند تسهیلات مورد نیاز آنان را فراهم کند و حضور هر چه بیشتر و موثرتر زنان در اجتماع و فضاهای شهری را افزایش دهد.

۳. زنان عموماً چند مسئولیت را یکجا به عهده دارند و باید به تمامی آنها در یک فاصله زمانی کوتاه پاسخ دهند. مسئولیت فرزندان و کودکان مسئولیت امور خانه در کنار فعالیت حرفه ای و اجتماعی از آن جمله اند. در اینجا ایجاد ارتباط مناسب میان گره های اصلی فعالیت و مسئولیت زنان حائز اهمیت است مراکز خرید روزانه، مهد کودک ها مدارس ابتدایی، زمین های بازی کودکان ... از جمله گره گاههای اصلی در این زمینه هستند.

۴. جلوگیری از توسعه حوزه های تخصصی و تک بعدی فعالیتی و تلفیق مناسب و چند بعدی فعالیت ها در محور مهم

انقلاب - ولی عصر از جرم خیزی فضاها می کاهد و به زنان امکان تحرک و حضور در تمامی نقاط شهر را می دهد.

۵. تامین نیازها و استانداردهای خاص زنان در برنامه ریزی و طراحی فضاها و تامین تسهیلات اجتماعی خود نوعی حمایت فرهنگی برای حضور زنان در اجتماع محسوب می شود و از نقطه نظر فرهنگی می تواند به رفع موانع این حضور کمک کند.

۶. همچنین باید توجه داشت که در برنامه ریزی پیاده محورها زنان مسن نیازهای متفاوتی نسبت به زنان و مادران جوان دارند آنها علاوه بر نیاز به امنیت روانی، به دلیل ناتوانی جسمی به تسهیلات کالبدی خاص از جمله نوع کفسازی ها، ارتفاع پله ها، راهنمای جهت یابی و ... احتیاج دارند که باید مورد توجه طراحان قرار گیرد.

۷. تامین روشنایی و امنیت معابر در شب و ایمن سازی فضاهای متناسب گداهای عابر پیاده

۸. نصب دوربین ها در فضاهایی که نظارت محلی کمتری وجود دارد.

۹. ارتقای آگاهی زنان از محیط و فضای شهری خیابان از طریق روشنایی استاندارد و نور پردازی های مناسب تعداد

بیشتر نشانه ها و تابلوها که باعث خوانایی بیشتر محیط و امنیت می گردد و گره های روشن در ساعات تاریکی مثل

ایستگاه های اتوبوس، روزنامه فروشی ها، ایستگاه های امداد رسانی و ..

۱۰. زیباسازی محیط و فضاهای عمومی به وسیله طراحی رنگ آمیزی و نورپردازی؛

جدول شماره (۲): راهکارها و پیشنهادات اجرایی

تقویت قلمروهای طبیعی	به کارگیری مستمر فضاها به وسیله کاربران از طریق راهکارهای طراحی محیطی . ۲- استفاده از تابلوها، علائم و نشانه های بصری از طریق هنر ارتباط تصویری . ۳- افزایش نظارت های طبیعی و گسترش حس مالکیت از طریق نهادهای اجتماعی . ۴- بکارگیری استراتژی های بازدارندگی بوسیله ارگان های برنامه ریزی اجتماعی ، ۵- استفاده از محوطه سازی، حفاظ و نرده در طراحی شهر.
کنترل دسترسی	۱- استفاده از موانع مسدود کننده مانند دیوارها، حصار و نرده .

<p>۲- آگاهی دادن به مردم از مکان ورودی ها و خروجی ها</p> <p>۳- استفاده از زیر ساختهای شهری مناسب مانند پوشش کف، جداره و محوطه سازی</p> <p>۴- نور پردازی مطلوب و کافی بردروازه های ورودی و نوع سیستم دسترسی</p>	
<p>۱- رعایت استانداردهای مبلمان شهری مانند چراغ های روشنایی</p> <p>۲- ایجاد کاربری های مناسب در فضاهای شهری .</p> <p>۳- التفات به نحوه دسترسی ها به فضاهای عمومی .</p> <p>۴- جای دهی کیوسک های تلفن و روزنامه فروشی یا دکه های سیار در مناطق جرم خیز .</p> <p>۵- امکان دهی به حضور انسان ها با تسهیلات خدماتی .</p> <p>۶- افزایش دید طبیعی با وجود پوشش گیاهی</p>	نظارت طبیعی
<p>۱- اصلاح برنامه ریزی فضایی از طریق استفاده کار آمد از فضاهای شهری .</p> <p>۲- ایجاد تراکم در فعالیت های اجتماعی در مناطق جرم خیز .</p> <p>۳- قراردادی فعالیت های اقتصادی خاص در مکان های همجوار نیروهای انتظامی ،</p> <p>۴- جای دهی فعالیت های خدماتی در مناطقی که نظارت عمومی کمتری دارد .</p> <p>۵- قرار دادن فضاهای خاص در مناطق پرتراکم،</p>	حمایت از فعالیت های اجتماعی
<p>۱- تعمیر و نگهداری تجهیزات شهری از جمله تابلوها و علائم ارتباطی .</p> <p>۲- حفاظت از آسیب رساندن به تجهیزات شهری مانند حفاظ دار کردن چراغ های معابر .</p> <p>۳- منظر سازی بر اساس معیارهای افزایش دهنده دید و نظارت .</p>	تعمیر و نگهداری

منبع : یافته های پژوهش

منابع

- آرنت، هانا (۱۳۹۰)، وضع بشر، ترجمه ی مسعود علیاء، انتشارات ققنوس، تهران،
- اباذری ، یوسف، صادقی، سهیلا، حمیدی، نفیسه (۱۳۸۷)، احساس ناامنی در تجربه زنانه از زندگی روزمره، پژوهش زنان، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱۰۳-۷۵.
- الماسی، نینا، انصاری، مجتبی (۱۳۸۹)، بررسی امنیت محیطی پارک های منطقه ای به عنوان بخشی از فضاهای شهری از دیدگاه زنان برپایه رویکرد CPTED نمونه موردی: پارک ساعی، مدیریت شهری، شماره ۲۵، صص ۲۱-۳۴.
- الیاسی، ابراهیم، پروزن، ادريس (۱۳۹۲)، بررسی تأثیر کیفیت های محیطی بر تعاملات اجتماعی در فضاهای عمومی شهری (مورد مطالعه: خیابان جمهوری اسلامی مهاباد)، همایش ملی معماری، فرهنگ و مدیریت شهری، کرج.
- اعتماد، گیتی (۱۳۹۱)، نشست سیاست فضا گروه مطالعات زنان انجمن جامعه شناسی ایران، تهران
- پاکزاد ، جهانشاه (۱۳۸۴)، راهنمای طراحی فضاهای شهری در ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت شهرسازی و معماری.

۷. پورمحمدی، محمدرضا نورانی، سمیه؛ نورانی، فرید (۱۳۹۱)، شهر دوستدار زنان مطالعه موردی: مرکز شهر اردبیل، فصلنامه آمایش محیط، شماره ۱۹، صص ۱۸۱-۱۶۵.
۸. تانکیس، فرن (۱۳۹۰)، فضا، زهر و نظریه اجتماعی: مناسب اجتماعی و شکل های اجتماعی، ترجمه حمیدرضا پارسی. ارزو افلاطونی، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. تمدن، رویا (۱۳۸۷)، زنان و فضاهای شهری، فصلنامه جستارهای شهرسازی، شماره ۲۴ و ۲۵، صص ۲۰-۲۳
۱۰. چرخچیان، مریم؛ دانشپور، سید عبدالهادی (۱۳۸۶)، فضاهای عمومی و عوامل موثر بر حیات جمعی، مجله باغ نظر، شماره ۷، صص ۱۹-۲۹
۱۱. حبیبی، میترا، پورشجاعی، فرشته (۱۳۹۴)، بررسی تطبیقی فضاهای عمومی ویژه زنان با فضاهای عمومی شهری در میزان پاسخگویی به نیازهای بانوان (نمونه موردی: پارک آب و آتش و بوستان بهشت مادران تهران)، نشریه هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره ۲۰، شماره ۱، صص ۱۷-۳۰.
۱۲. حبیبی، سید محسن (۱۳۸۰)، جامعه مدنی و حیات شهری، مجله ی هنرهای زیبا، شماره ی ۷، صص ۳۱-۳۶
۱۳. داگلاس، سارا (۲۰۰۷)، برابری جنسیتی و طرح های ارتقای عدالت: دسترسی برابر زنان به عدالت، مجموعه نشریات پایه درباره ی جنسیت و حکمرانی مردم سالارانه، سازمان ملل متحد.
۱۴. ذوقی توتکابنی، مهروش (۱۳۸۸)، طراحی فضاهای معماری و شهری با تکیه بر نیازهای زنان، همایش ملی زن و معماری، تهران.
۱۵. رضازاده، راضیه و محمدی، مریم (۱۳۸۶)، عدالت جنسیتی در طراحی فضاهای شهری، کنفرانس زنان معمار ایران، تهران.
۱۶. زنجانی زاده، هما (۱۳۸۰)، زنان و امنیت شهری، مجله دانشکده علوم و ادبیات علوم انسانی مشهد، شماره ۳۴، صص ۲۳-۱۴
۱۷. فکوهی، ناصر (۱۳۸۰)، تاریخ اندیشه و نظریه های انسان شناسی، نشر نی، تهران.
۱۸. طرح جامع مهاباد، ۱۳۸۸
۱۹. لنگ، جان (۱۳۸۶)، طراحی شهری گونه شناسی رویه ها همراه با پیش از پنجاه مورد خاص، ترجمه ی سید حسین بحرینی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول، تهران.
۲۰. مطلبی، قاسم (۱۳۸۰)، روان شناسی محیط، دانشی نو در خدمت معماری و طراحی شهری، نشریه ی هنرهای زیبا، شماره ۱۰، صص ۶۷-۵۲.
۲۱. مهدی زاده، جواد (۱۳۸۷). در جستجوی شهری انسانی تر. جستارهای شهرسازی به شماره ۲۴ و ۲۵، صص ۱۹-۶.

22. Amir Ebrahimi, Masserat (2006), *Conquering enclosed public spaces, Cities, Vol. 23, No 6, pp 455-461.*

23. arcia_Ramon, Maria D; Ortiza, A; Parts, M. (2004), 'Urban Planning, Gender and the Use of Public Spaces in Peripheral Neighborhood of Barcelona; Cities, Vol.21, No.3, pp. 215-223
24. Day, Kristen)2000(, *The Ethic of Care and Women's Experiences of Public Space*, *Journal of Environmental Psychology*, No 20, pp 103-124
25. Gehl, J 'Life between Buildings', Van Nostrand Reinhold(1987), (<http://www.rudi.net/books/3611>)
26. ranck, Karen (2002), 'Women and Environment' in Bechtel, R. & Churchman, A. (eds.) *Handbook of Environmental Psychology*, John Wiley & sons, New York.
27. Knox, P & Pinch, S. (2000). *Urban Social Geography, Fourth Edition*, Prentice Hall, England.
28. Kurniawati, Wakhidah)2012(, *Public Space for Marginal People, So-cial and Behavioral Sciences*, Vol36, pp 476-484.
29. Krenichyn, Kira)2004(, *Women and physical activity in an urban park: Enrichment and support through an ethic of care*, *Journal of Environmen-tal Psychology*, No 24, pp117-130
30. Larson, D. KeatingT J)2009(, *Assessment of insecticide-treated bed-net use among children and pregnant women across 15 countries using standardized national surveys*, *Am J Trop Med Hyg*, vol 2, p 209-214
31. Pasaogullari, N & Doratli, N, (2004), "Measuring Accessibility and Utilization of Public Spaces in Famagusta", *Cities*, Vol. 21, No.3, 225-232 Rezazadeh,
32. Phadke, Shilpa)2010(, *Gendered Usage of Public Spaces: A Case Study of Mumbai*, NCW-UNDP-CEQUIN conference on Gender based Vio-lence in public spaces : *Challenges and Solutions*, Delhi, Constitution Club
33. Reeves, Dory)2003(, *Gender Equality and Plan Making: The Gender Mainstreaming Toolkit*, RTPI Gender Mainstreaming Toolkit, Executive Summary. Available from [http://www.rtpi.org.uk/download/369/ Gender - Equality-Toolkit.pdf](http://www.rtpi.org.uk/download/369/Gender - Equality-Toolkit.pdf)
34. UNESCO)2003(, *UNESCO s Gender Mainstreaming Implementa-tion Framework)GMIF(for 2002-2007*, UNESCO, Women and Gender Equality Section, Paris
35. Wekerle, Gerda R. (2002), *Gendered Spaces of a Pluralistic Citizenship*, in 'Democracy, Citizenship and the Global City, Engin F.lsin, Rutledge, London.
36. Woodsworth , Ellen) 2005(, *Making Space for Women in Cities*, Spar-rc BC, No 52, pp10-13.